

## اهمیت و نتایج سفر احمدی نژاد به جمهوری آذربایجان

سرپیس آذربایجان / خبرگزاری آران  
 خبرگزاری آران / سرپیس آذربایجان: مصاحبه احمد کاظمی خبرنگار سیمای آذری شبکه جهانی سحر در باکو با دکتر محمود احمدی نژاد رییس جمهوری اسلامی ایران در حاشیه برگزاری سومین نشست سران کشورهای ساحلی خزر  
 مصاحبه کننده : احمد کاظمی

**آقای احمدی نژاد درباره اهمیت و نتایج و دستاوردهایی سفرتان به جمهوری آذربایجان ، اهمیت مناسبات تهران و باکو و جایگاهی را که جمهوری آذربایجان به عنوان تنها کشور مسلمان قفقاز در سیاست خارجی ایران دارد ، توضیح دهید؟**

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان یک روابط ویژه ای است . هم همسایگی است و هم برادری . روابط دوستی ممکن است دچار نوسان شود ، یا اصولاً قطع شود . اما روابط برادری در هر شرایطی باقی خواهد ماند . روابطی است که قابل قطع شدن یا تضعیف نیست . ما دو ملت و دو دولت برادریم . منافع مشترک فراوان داریم و البته دشمنان مشترک هم داریم . شرایط جغرافیایی و تاریخی ما به گونه ای رقم خورده که رابطه ایران و جمهوری آذربایجان یک رابطه ویژه و ممتاز است . در واقع ، این رابطه از محورهای اصلی ثبات و همکاری در منطقه است . امروز هم به لطف خدا با اراده دو دولت و دو ملت رابطه ما در بخش های گوناگون رابطه خوب و رو به گسترش است . بین دو کشور ، دیدارها همیشه مفید ، موثر و سازنده بوده است . این بار هم همین طور است . ما پیشرفت و آبادانی جمهوری آذربایجان را پیشرفت و آبادانی خودمان می دانیم . همین احساس دربرداران آذری ما نیز وجود دارد . در موضوعات منطقه ای و جهانی دیدگاه های مشترک داریم و آنها را دنبال می کنیم . در تمام مجامع جهانی از حقوق یکدیگر به طور کامل دفاع می کنیم . محدودیتی برای توسعه روابط وجود ندارد .

در این سفر با برادرم علی اف تمام زمینه های همکاری و روابط بین دو کشور را مورد بحث و بررسی قرار دادیم . با یک نگاه کلان و راهبردی تصمیمات بسیار خوبی در بخش اقتصادی ، حمل و نقل ، انرژی ، سرمایه گذاری و تجارت ، به لحاظ اینکه این ها محورهایی هستند که روابط دو کشور را متحول می کنند ، گرفته شد که به نفع هر دو کشور و منطقه است . حجم روابط اقتصادی ما ، اگرچه قابل توجه است ، اما مورد رضایت هیچ یک از طرفین نبود ، لذا قراردادش موانع برداشته شده و تا حد ممکن ظرفیت های دو کشور در این زمینه رشد کنند . در گام اول با حداقل پنج میلیارد دلار موافقت شد که می تواند به سرعت به چند برابر افزایش پیدا کند . همکاری ایران و جمهوری آذربایجان در بخش های فرهنگی ، سیاسی و عرصه بین المللی و منطقه ، یکی از عوامل اصلی همراهی ها و همکاری ها و ثبات در ( منطقه ) دریای خزر و کل منطقه است و قطعاً پیوند ایران و جمهوری آذربایجان کمک می کند که مسایل منطقه با روش بهتر و آرامش بیشتری حل و فصل شود . نگاه ما به تحولات جهانی هم نگاه واحدی است . این ارتباطات ما را آماده می کند ، برای ورود به دوران جدید ، ورود به عرصه های گوناگون بین المللی ، همیشه دیدارهای ما خوب بوده است . این دیدار هم به همین ترتیب .

**منطقه قفقاز با مناقشاتی درگیر است که یکی از این ها هم مناقشه قره باغ است و بزرگترین معضل جمهوری آذربایجان محسوب می شود .**

**طی 20 سال گذشته کشورهای گروه مینسک که شامل آمریکا ، فرانسه و روسیه هستند و به عنوان میانجی در این مناقشه نقش آفرینی می کنند، نتوانسته اند این مناقشه را حل کنند. راهکار پیشنهادی ایران برای حل این مناقشه چیست ؟ و علل مقاومت کشورهای سلطه در مقابل نقش آفرینی ایران در حل این مناقشه و سایر مناقشات قفقاز از نظر جناب عالی چیست ؟**

همه مسایل و همه مناقشات از طریق گفتگو و البته با پذیرش عدالت و قانون قابل حل است . ما این مسیر را دنبال می کنیم و اگر هم اعلام کردیم که آمادگی داریم وارد بشویم و کمک بکنیم ، باز بر پایه عدالت و منطق و قانون و باروش گفتگوست . ما فکرمی کنیم کسی که می خواهد وارد بشود ، نباید خودش یک موضع مشخص متعصبانه و پیش ساخته داشته باشد . مواضع بسیاری از کشورهایی که از آنها نام بردید ، هم در طول تاریخ و هم در معادلات امروز جهان مشخص است . ما فکر می کنیم ، آنها اگر موضوع جدی شود که پای عدالت بایستند ، یک فرمولی دارند که بالاخره در آخرش عدالت درنخواهد آمد ، ( درحالی که ) ما دنبال عدالت هستیم و فکر می کنیم کشورهای منطقه باید صدها سال در صلح و دوستی با هم زندگی کنند . نباید هیچ نقطه تاریکی در روابط باقی بماند . نقطه تاریک از بی عدالتی ها ناشی می شود .

عدالت و قانون را بگذاریم وسط و همه تابعش باشیم ، بپذیریم و عمل کنیم و تصمیم بگیریم با هم دوست باشیم . از دشمنی ها و مناقشات هیچ کس سود نمی برد . حداقل چیزی که تلف می شود وقت و اعصاب مردم و دولت ها و بالاتر از آن منابع ( کشورها ) است ( به این معنی که ) هرکس باید خودش را آماده کند ، این هزینه های دراز مدت را بپردازد ( درحالی که این ) به نفع هیچ کس نیست . بالاخره ما در طول تاریخ و به تجربه دریافته ایم ، بسیاری از این نیروهای غربی به عدالت پایبند نیستند . به همین خاطر ما با آنها خیلی همراهی نکردیم .

اگر در همین موضوع هم آنها بتوانند عدالت را اجرا کنند و حق را حاکم کنند و مشکل را حل کنند ، ما استقبال و حمایت می کنیم .

**کشورهای منطقه قفقاز شامل جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان درحوزه تمدنی ایران اسلامی قرار دارند.**

**با توجه به این موضوع ، نگاه و رویکرد ایران به قفقاز برچه مبنایی قرار دارد ؟**

کل منطقه ما ( قفقاز ) منطقه بسیار وسیعی است . ما در یک حوزه فرهنگی و تمدنی هستیم .

زندگی مردم ما خیلی شبیه به هم است.

اعتقادات ، باورها، آداب و رسوم ، حتی لباس پوشیدن ها ، غذا خوردن ها و مفاهیم . ما یک حوزه بزرگ فرهنگی و تمدنی شناخته شده برای کل تاریخ و کل دنیا هستیم .

روابط ملت های ما هم به همین نسبت عمق دارد، یک عمق تاریخی بسیار طولانی که ریشه در اعمال دل ها و اندیشه ها دارد.

همین غذاها نمادی از رنگ و تمدن است . غذاهای کل منطقه چقدر شبیه به هم است . اصلاً یک جوراست.

نوع نگاه به زندگی ، ارتباطات اجتماعی ، احترام به خانواده ، احترام به بزرگ تر ، صداقت ، دوستی ، پاکی و فداکاری . اینها ارزش هایی متعالی هستند که درمتن این فرهنگ حضور دارند.

ما فکر می کنیم همه این منطقه بتواند درکمال آرامش و دوستی با هم زندگی کند .

به جای اینکه رقیب هم باشند ، کامل کننده و تکامل بخش همدیگر باشند . ما باید برای پیشرفت به هم کمک کنیم.دوست هم باشیم و حلقه های ارتباطی را دربخش های گوناگون تقویت کنیم. اینها شدنی است.

منتها منطقه قفقاز هم مثل خیلی از نقاط دیگر دنیا از دخالت های بیگانه رنج می برد ، کشورها و نیروهای فرامنطقه ای به خاطر منافع خودشان ( به قفقاز ) می آیند ، زیرا اینجا منطقه ارتباطی مهم و حساسی با منابع و ذخایرانسانی و فرهنگی و مادی فراوان است ( که این نیروهای فرامنطقه ای ) برای دست اندازی و دخالت درآن تلاش می کنند .

اما ما فکر می کنیم با آگاهی و هشیاری مردم و دولت ها یک روند همگرایی ( بین کشورهای منطقه قفقاز ) شکل گرفته ، گرچه آرام است و هنوز نشانه های خیلی قوی بروز نداده است ، اما این همگرایی حتماً اتفاق خواهد افتاد .

**یکی از موضوعات مهم منطقه ، بحث دریای خزر است . ایران دریای خزر را دریای صلح و دوستی می داند .**

**موانع احتمالی در مقابل همگرایی در دریای خزر و تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر چه بوده است؟ و رویکرد ایران برای تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر چیست ؟**

دریای خزر دریای صلح و دوستی است. باید هم همین طور باشد . هیچ گزینه دیگری وجود ندارد و نمی تواند هم وجود داشته باشد .

کشورهای منطقه باید با هم همکاری کنند و دوست باشند و از فرصت دریای خزر به نفع ملت هایشان استفاده کنند .

اما به همین نسبت که ظرفیت های فراوانی برای دوستی و منافع مشترک دردریای خزر هست ، پیچیدگی های سیاسی و تاریخی فراوانی هم وجود دارد . ما نباید فراموش کنیم بیش از 20 سال از فروپاشی شوروی نمی گذرد .

( درشرایطی که ) جغرافیای سیاسی منطقه درحال شکل گرفتن است ، طبیعی است که روند همگرایی یک مقدار آرام طی شود . من فکر می کنم این روند گرچه آرام است ، اما با استحکام دارد طی می شود.

رژیم حقوقی دریای خزر یکی از موضوعات منطقه است که آرام آرام در حال شکل گیری است.

از چند محور شروع شده و بحث های مربوط به آن ها به پیش می رود .

من فکر نمی کنم ، در نهایت مشکل خاص یا حادی در این زمینه باقی بماند .

به هر حال ، ما همسایه هستیم و باید با هم زندگی کنیم و به یک مرز مشترک می رسیم .

دریای خزر دریای بسیار بزرگی است و مسایل محیط زیستی ، امنیتی ، تردد مواد مخدر و تروریسم و افراط گرایی ، مسایل انرژی ، ذخایردریایی ، ارتباطات دریایی و کشتیرانی و موضوعات متنوع فراوانی ( درحوزه آن ) مطرح است که هرکدام نیازمند بحث وگفت وگو هستند .

وقتی ما به نشست عشق آباد نگاه می کنیم ، بعد نشست تهران و نشست باکو ، این روند همگرایی را مشاهده می کنیم و امیدواریم تا یکی دو نشست بعد این حلقه ها تکمیل شود .

**بعد از جریان 11 سپتامبر سیاست اسلام هراسی نظام سلطه تشدید شده وحتی در بعضی از کشورهای اسلامی باچاپ مقالات موهن علیه مقدسات اسلامی توسط مزدوران صهیونیسم تلاش می شود که این اسلام هراسی دنبال شود .**

**ارزیابی جناب عالی از مجریان و اهداف و رویکرد و علل تشدید این مساله چیست ؟**

پاسخ این موضوع روشن است. استعمارگران سابق و برده داران سابق درصد سال اخیر نقاب و چهره شان را عوض کردند و شدند دموکرات و آزادیخواه و طرفدارحقوق بشر . اما همان کارهای قبلی را با روش های جدید و بلکه سنگین تر و بیشتر ، اما به قول خودشان مدرن ادامه می دهند.

آن چیزی که آنها از آن می ترسند انسان است . یعنی اسلام هراسی . در واقع همان انسان هراسی است . آن چیزی که آنها را می ترساند ، بازیابی هویت انسانی است.

در دنیا امروزه یک موج بسیار قوی و عمیق است که انسان ها خودشان را توانمند، خودشان هویت خودشان را و اصالت انسانی خودشان را پیدا می کنند.

ملت ها دارند خودشان را پیدا می کنند.امروز در دنیا کرامت انسانی یک موضوع بسیارجدی است . عدالت یک موضوع بسیر جدی است.

یگانه پرستی که پایه عدالت و کرامت انسانی است ، یک موضوع بسیارجدی است و آنها از این می ترسند.

هرانسانی خودش را بشناسد برای آنها خطراست . چون زیربار سلطه نمی رود . هرملتی خودش را بشناسد ، دیگر روش های سلطه گرانه و یکسویه را نمی پذیرد . به همین خاطر ، آنها اصلاً با کرامت انسان مخالفند .

اسلام هم آمده است ، کرامت انسانی و عدالت ، یگانه پرستی را احیا کند ، آن ها از اساس با هرنوع دینی که منشا حق دارد و به دنبال اصالت و کرامت انسانی و عدالت است ، مخالفند . این نیست که فقط با اسلام مخالف باشند ، آنها با مسیحیت هم اگرنقش خودش را خوب ایفا کند ، مخالفند .

کلیمی ها هم اگرکار خودشان را درست و براساس تعالیم حضرت موسی (ع) انجام بدهند ، باآن ها هم مخالفند . آنها با هرارزش الهی و انسانی مخالفند . طبیعی هم هست .

اما موج بیداری و موج بازیابی هویت انسانی که دارد اتفاق می افتد ، بازگشت به ارزش های الهی و انسانی که دارد اتفاق می افتد ، این موج رو به گسترش است .

هرروز دامنه ها و امواج آن توفنده تر می شود . آنها خیلی عصبانی هستند ، همان روش های تکراری گذشته ( را پیش گرفته اند چون ) به نظر به لحاظ عقلی و به لحاظ فکری و به لحاظ مدیریتی رشد نکرده اند . اینها درهمان صد سال گذشته و اگرخیلی خوشبین باشیم در پنجاه سال گذشته درجا زده اند و نمی فهمند دردنیای چه می گذرد .

اصلاً هم دعوی اسلام و مسیحیت نیست . دعوی خداخواهی با هوایپرستی است . دعوی انسان با شیطان و با ضد انسان و دعوی عدالت با ظلم است .

دعوی کرامت انسانی با تحقیرانسانهاست .

این را همه آنها دریافته اند و روبه روز بیشتر دریافت می کنند . آنها آب در هاون می کوبند . درحالی که در یک مسیر سرازیری هستند و ترمز بریده اند . بیشتر گاز می دهند ، تا این که به فکر متوقف کردن باشند .

مواضعی که می گیرند آنها را جلو نمی برد . هیچ کس دردنیای حرف های آنها را علیه اسلام باور نمی کند ، حتی با طراحی هایی که کردند در بعضی جاها چهره های بسیارخشن به نام اسلام به نمایش گذاشتند.

اما توده های ملت ها حرف این ها را هیچ گاه باور نکردند . آنها یک راه دارند و آن هم بازگشت به دامن ملت هاست .

بازگشت به حقیقت و عدالت است. اگر برگردند، ممکن است فرصت هایی در اختیارشان باشد، اما اگر برنگردند سرنوشت محتوم آنها سقوط قطعی بدون بازگشت به اعمال دره های حیض انسانی است. مطلقاً نگران تبلیغات آنها نیستیم و می بینید که گرایش توده های انسانی به حقیقت، توحید، اسلام ناب، به دینداری، حتی درخود آمریکا و خود اروپا بسیار زیاد است و آنها از این وحشت دارند که توده های مردم در تمام دنیا به سمت دین حرکت می کنند.

**ایران اسلامی در تمامی زمینه ها پیشرفت های علمی کرده است.**

**جریان سلطه تلاش می کند پیشرفت های ایران را به عنوان تهدید به ویژه برای همسایگان تلقی کند.**

**ارزیابی جناب عالی از این موضوع چیست؟**

روشن است که این یک (راهبرد) ابتدایی است و آنها کار خیلی مهمی انجام نمی دهند. شیطان به منظور تسلط خودش، می ترساند و تفرقه درست می کند.

محور حرکت شیطان ترساندن و ایجاد تفرقه است تا بتواند مسلط شود. خوشبختانه ملت ها هم دست شیطان را خوانده اند.

رییس جمهوری قبلی آمریکا نیز حرکت کرد که بیاید منطقه را فتح کند، امروز منفورترین نام و چهره بین ملت های منطقه همان فرد و دولت اوست.

این بدان معناست که درست است که آسیب هایی به منطقه وارد کردند، اما هدف های اصلی شان هیچ گاه محقق نشد.

**در زمینه مسایل منطقه ای موضوعاتی که ایران برای گفتگو با گروه +1 دارد، شامل چه موضوعاتی است؟**

موضوع ما معلوم است. ما بسته پیشنهادهای مان را به آنها داده ایم و اعلام هم کرده ایم.

ما فکر می کنیم مسایل جهان جز با مدیریت عمومی و مشارکت عمومی ملت ها و دولت ها و بدون تعهد به قانون و عدالت حل نخواهد شد.

این پیشنهاد هم که ما داده ایم، در واقع تأکید بر مشکلات اصلی جامعه بشری است و اعلام آمادگی ما برای حل آنها در یک فضای تفاهم، عدالت و احترام است.

هر مقدار آنها بپذیرند، جلو خواهد رفت. اما اگر با همان اندیشه های کهنه استعماری بخواهند گفتگو کنند، اتفاق خاصی برای آنها نمی افتد.

ولی ما چرا؟ ما مسیرمان را ادامه خواهیم داد.

با دیگران کار را دنبال خواهیم کرد. ما استقبال می کنیم که آنها عدالت را بپذیرند و احترام و کرامت ملت ها را بپذیرند. این به نفع آنها هم هست. همه سود می برند.

اما اگر نپذیرند (موضوعی است که) سال هاست که همینطوری هست.

موضوع هسته ای ایران یک موضوع حل شده است. ما اعلام همه کرده ایم که در مورد حقوق مسلم خودمان با کسی گفتگو نمی کنیم. مثل استقلال، کسی در مورد استقلال خودش با کسی گفتگو نمی کند.

فکر می کنم به اندازه کافی، هم در دنیا این موضوع روشن شده است که آنها از مواضع دوگانه و چند گانه می خواهند برخوردار کنند.

این هم دیگر برای ما هیچ ارزشی ندارد. کسانی که انبارهایشان پر از بمب اتم است، دوستانشان را با بمب اتم مسلح می کنند، تمام جنایات دوستان خودشان را توجیه می کنند، بعد می آیند راجع

به ایران که می رسد با یک سری اخبار دروغ (وارد عمل می شوند).

مطلبی به ذهن آمد که جالب است، حدیث ما با اینها مثل این است که به یک نفر می گویند

که اثبات کن که سالم هستی. خوب من چطور سلامت خودم را اثبات کنم؟

اگر کسی مریض باشد، خوب به او می گویند اثبات کن که مریضی، می گوید که مثلاً "سینه ام درد می کند، صرفه می کنم، تب دارم.

ناراحتم. اما اثبات کنیم که سالم هستیم؟ چطور اثبات کنیم که سالمیم؟ اثبات کنیم که مریض نیستیم؟ کسالتی نداریم! این ظاهرش حرف ساده ای است. اما، عمق آن، حرف خیلی جاهلانه ای

است. حرف خیلی بی ربطی است. چیزی که وجود ندارد، می گویند آن را اثبات کن. عدم این را که نمی شود اثبات کرد. ما به آنها می گوئیم که خوبی سندان چیست؟ می گویند خودتان به ما

سند بدهید. این استدلال کسانی است که مدعی منطق و کار درست و قانون هستند، متهم می کنند، می گوئیم که خوب سندان کو؟ می گویند سند را خود شما به ما بدهید! می گوئیم ما سندی

نداریم. می گویند خوب، پس ایران پنهانکاری می کند.

این یک منطق خیلی رنگ باخته بی ارزش است که برای ما به طور مطلق هیچ ارزشی ندارد. ما از این (موضوع) عبور کرده ایم. (نه تنها) ایران عبور کرده است (بلکه) همه ملت ها عبور کرده اند.

اصلاً موضوع هسته ای ایران الان مطرح نیست. موضوع تقابل دو اندیشه است.

آنها خیال می کنند با بهانه هسته ای و به ظاهر ترساندن دیگران می توانند ما فشار بیاورند.

اینها متوجه نمی شوند که این موضوع ها اصلاً تمام شده است. چه کسی از ایران می ترسد؟ هیچ کس جز دزدها و غارتگران بین المللی از ایران نمی ترسد. همه ملت ها دوست ایرانند. امیدواریم

آنها هم بالاخره از روش های کهنه استعماری دست بردارند و یک مقدار مرز انسانی را بچسبند. بیایند مثل دیگران انسانی زندگی کنند تا شاید آنها هم فرصتی پیدا کنند.

**آمریکا و اتحادیه اروپا با میزبانی ترکیه برای گفتگوهای ایران با گروه +1 مخالفت کرده اند.**

**به نظر شما علل این مخالفت چیست؟**

حالا باید بررسی کنیم. صحبت کنیم. بالاخره ببینید. این یک اخلاق استکبار است. چیزی که در دستشان نیست.

حالا می خواهند بگویند ما هم تعیین می کنیم. چه چیزی را تعیین می کنید؟

(این تعیین ها) برای ما ارزشی ندارد. ما بیشتر به محتوای مذاکره اهمیت می دهیم

**جناب عالی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد ماجرای 11 سپتامبر پیشنهاد تشکیل**

**کمیته حقیقت یاب را دادید.**

**به نظر شما تشکیل این کمیته تا چه حد عملی خواهد شد؟**

ما در این زمینه اصرار داریم. البته اگر نپذیرند معنای خودش را خواهد داشت. بالاخره به بهانه 11 سپتامبر آمده اند منطقه ما را اشغال کرده اند.

بیش از یک میلیون انسان کشته شده است. هر روز هم دارند کشته می شوند.

همه معادلات منطقه به هم خورده و چند صد هزار نیروی نظامی وارد منطقه ما شده است. حیثیت و حقوق ملت ها مخدوش شده است.

مردم را در خیابان ها می کشند، خانه ها را بر سر مردم خراب می کنند، روستاها را بمباران می کنند. زن، بچه، مراسم عروسی را بمباران می کنند. چرا؟ در امور عراق و افغانستان دخالت می کنند.

به چه دلیل؟ (وقتی) رئیس جمهوری قانونی افغانستان اعتراض می کند که چرا در خاک ما عملیات نظامی می کنید، بهانه همه اینها 11 سپتامبر است.

اینها خودشان به صورت یک طرفه در مورد 11 سپتامبر منطقه ما را متهم کردند (در حالی که) مگر می شود آنها خودشان هم شاکی باشند، هم دادستان و هم قاضی؟ بعدش هم خودشان حکم

صادر کنند و آن حکم را علیه مثل ها اجرا کنند؟

این ماجرا باید روشن بشود. ما فکر می کنیم این کمیته حقیقت یاب اگر روشن کند که علت چه بوده و چه کسانی بوده اند و اسامی آنها را مشخص کند، خوب در آن صورت می توانیم به سراغ آنها

( مقصرین و مسببان اصلی ماجرای 11 سپتامبر ) برویم .

( این موضوعی است که در یک دادگاه صالح باید اثبات شود نه اینکه دولت آمریکا بیاورد یک ادعایی بکند و به همه بگوید که باید بپذیرند .

خوب اگر اینطوری است ، پس چرا ادعای دولت های دیگر را نپذیریم ؟ خوب ، همه دولت ها ادعا می کنند.

آنها را هم بپذیریم ! شما چه کسی هستید که می گوئید ما هر ادعایی که می کنیم باید همه آن را بپذیرند ؟ البته ما از حادثه 11 سپتامبر که باعث شد عده ای مظلوم و بی جهت ( و فقط ) بخاطر

مطامع استعماری و استکباری و خودخواهی بعضی ها کشته شوند ، ناراحتیم و ( بر شناخته شدن عاملان اصلی ) مصر هستیم .

البته ، این برای دولت آمریکا و ناتو هم خوب است که اگر معلوم شد که این ادعای اولیه غلط بوده راهی پیدا کنند.

بگویند که اشتباه شده و نیروهایشان را آبرومندانه بیرون ببرند . اما اگر نپذیرند ، معنایش

این است که این یک پروژه سیاسی است .

اگر ریگی در کفششان نیست و اگر به اسنادی که در اختیار دارند ، مطمئن هستند ، نباید عصبانی شوند .

باید اجازه بدهند که یک کمیته بین المللی بیطرف که همه ملتها قبولشان داشته باشد ، این اسناد را ببیند و سوال و جواب بکند .

بعد بیاورد به ملت ها بگوید که بله مثلاً " ملت افغانستان مقصر است ! یا مثلاً " ملت عراق

مقصر است ! اگر اینها راست می گویند که اسنادشان کامل است ، باید اجازه بدهند که

بررسی شود .

وقتی اجازه نمی دهند یا اگر اجازه ندهند ، برداشت دیگری می شود و معنایش این است که یک طراحی ( صورت گرفته است ) برای هجوم به منطقه و ( 11 سپتامبر فقط )

یک بهانه است که این بهانه را هم به هر ترتیب می شود ایجاد کرد .

ایران به دنبال نفوذ در هیچ جای دنیا نیست . این را من به شما به صراحت بگویم . اینها هم اشتباه می کنند. آن چیزی که دارد اتفاق می افتد بیداری است ، عدالت خواهی است که دارد گسترش

پیدا می کند ، پاک است .

خداخواهی است . اینها از این می ترسند و اسمش را می گذارند نفوذ ایران ( در صورتی که این ) نفوذ ایران نیست .

نفوذ و گسترش اندیشه انسانی است . این متعلق به همه انسانهاست . چرا حرف ایران اثر می گذارد و آنها اسمش را می گذارند نفوذ؟

این که نفوذ نیست . نفوذ یعنی اینکه ما سازماندهی کنیم وارد کشوری بشویم ، حال آن که

چنین چیزی وجود ندارد . همه ملت ها ( از نظر ایران ) محترم و مستقل هستند و خودشان تصمیم می گیرند . ما فقط گفتگو می کنیم و این گفتگو هم دو طرفه است . هم آنها به ما یاد می دهند و

هم ما به آنها یاد می دهیم . آن چیزی که دارد در دل ها و اندیشه ها نفوذ می کند ، ارزش های الهی و انسانی است . آنها از این وحشت دارند . اسمش را هم می گذارند

نفوذ ایران. این را هم اشتباه می کنند.

در این هم اشتباه می کنند . ایران به دنبال نفوذ در هیچ جای دنیا نیست.

ما بر عدالت و انسانیت پافشاری می کنیم چون این حرف همه انسانهاست . آنها می گویند چرا دنیا از حرف های ایران استقبال می کند ؟ خوب روشن است ، این حرف ، حرف همه ملت هاست .

خیلی ها این حرفها را می زنند . ما هم این حرفها را مطرح می کنیم . هفت میلیارد جمعیت جهان همه به دنبال عدالت و دوستی و احترام و رفاه هستند .

همه استقبال می کنند. چرا نباید استقبال کنند ؟ این معنایش نفوذ نیست.

گسترش یک اندیشه و یک باور است.

آنها هر چقدر این حرف ها را بزنند ، کار ، نفوذ این اندیشه و بیداری را در دنیا بیشتر می کنند.

پایان پیام.